

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 1, Spring 2021, 313-333
Doi: 10.30465/crtls.2020.27868.1651

A Critique and Review on *Psychology of Language*

Shima Nabifar*

Abstract

This article aims to investigate *Psychology of Language*, written by David W Carroll, translated by Heshmatollah Sabaghi. The book is described considering the form and the content. Then, the translation of the book is assessed based on factors such as the style of writer, Persian equivalents of general and psycholinguistics terms, grammatical structures, punctuations, writing rules and conventions, accuracy and faithfulness. The main problems of the translation were related to the spaces and half-spaces between the word and within compound words, the correct punctuation and the complexity of Persian sentences in translation in spite of the simplicity of their original English sentences, complex and less frequent equivalents and Arabic words instead of simple, frequent and familiar Farsi equivalents. The faithfulness principle in the translation was acceptable. The result of this study showed that although the translation of the book is acceptable, it is not of high quality. The most critical problem of the translation is the complexity of Persian sentences, so that the readers have to read the sentences several times to understand them. However, considering the fact that there are few Persian sourcebooks written on psycholinguistics, it can be used as a sourcebook provided that the problems are eliminated in the next editions.

Keywords: Psycholinguistics, Terminology, General Terms, Accuracy, Faithfulness, Syntactic and Grammatical issues.

* Alzahara University Instructor, Department of Linguistics, Tehran, Iran, sh_nabifar@yahoo.com

Date received: 2020-11-18, Date of acceptance: 2021-02-20



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد کتاب روان‌شناسی زبان

شیمای نبی‌فر*

چکیده

در این مقاله کتاب *روان‌شناسی زبان*، نوشته دیوید دبلیو. کرول با ترجمه حشمت‌اله صباغی، نقد شده است. کتاب به لحاظ صوری و محتوایی توصیف و ترجمه آن براساس عواملی مانند سبک نویسنده، گزینش معادل‌های واژگان عمومی و تخصصی، مسائل دستوری و نحوی، علائم سجاوندی و قواعد نگارشی، اشتباهات تایپی، و دقت و صحت در ترجمه و امانت‌داری بررسی شده است. اشکالات ترجمه عبارت است از عدم به‌کارگیری فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها و علائم سجاوندی و نقطه‌گذاری نامناسب، جملات پیچیده در ترجمه علی‌رغم روان‌بودن و فهم‌پذیر بودن متن انگلیسی کتاب، انتخاب معادل‌های پیچیده و کم‌بسامد، و به‌کارگرفتن واژه‌های عربی کم‌کاربرد به جای معادل‌های ساده و پرسامد. البته در مواردی معادل اصطلاحات تخصصی خوب انتخاب شده است. امانت‌داری در ترجمه تقریباً رعایت شده است. نتیجه بررسی نشان می‌دهد که کتاب به لحاظ کیفیت ترجمه ویژگی‌های چندانی ندارد و سطح آن متوسط است. اساسی‌ترین ایراد کتاب این است که خواننده باید به منظور درک بسیاری از جملات آن‌ها را چندبار بخواند. با وجود این، با توجه به کمبود منابع فارسی در زمینه روان‌شناسی زبان دانشجویان و متخصصان می‌توانند از این کتاب استفاده کنند، به شرط آن‌که ایرادهای ذکر شده در ویراست‌های بعدی اصلاح شود.

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی زبان، اصطلاحات تخصصی، واژگان عمومی، صحت و دقت، مسائل دستوری و نحوی، امانت‌داری.

* مدرس دانشگاه الزهراء، گروه زبان‌شناسی و آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دکترای زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران sh_nabifar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲



۱. مقدمه

کتاب روان‌شناسی زبان (*Psychology of Language*) نوشته دیوید دبلیو کرول (David W. Carroll) است که چاپ پنجم آن در سال ۲۰۰۸ به قلم حشمت‌اله صباغی ترجمه شده و در سال ۱۳۹۱، آن را انتشارات رشد در شمارگان دوهزار نسخه چاپ کرده است. کتاب مذکور در قطع وزیری و تعداد صفحات آن ۷۸۱ است. تعداد صفحات نسخه اصلی کتاب ۴۹۸ صفحه و قیمت ترجمه شده آن ۲۸۰ هزار ریال است. مترجم در بخش یادداشت مترجم آن را یکی از منابع مهم درس روان‌شناسی زبان معرفی می‌کند و گفته است که طراحی و سازمان‌دهی کتاب به نحوی است که آن را برای اهداف پژوهشی و آموزشی بسیار مناسب می‌کند. البته نویسنده نیز ذکر کرده که هدف اصلی نگارش این کتاب آموزش به دانشجویان است.

کتاب ترجمه شده شامل پنج بخش است که در مجموع چهارده فصل را در بر می‌گیرد. کتاب شامل بخش معرفی نویسنده، فهرست مطالب، یادداشت مترجم، پیش‌گفتار، متن اصلی کتاب (چهارده فصل)، واژه‌نامه توصیفی، واژه‌نامه انگلیسی فارسی، و واژه‌نامه فارسی انگلیسی، نمایه اشخاص، نمایه موضوعی، و منابع است.

بخش اول که عنوان آن مسائل کلی است و مسائل کلی و عمومی مربوط به روان‌شناسی زبان را بررسی می‌کند، سه فصل را در بر می‌گیرد. فصل اول به توصیف و تعریف حوزه روان‌شناسی زبان همراه با تاریخ مختصر آن اختصاص دارد. فصل دوم به توصیف مفاهیم دستوری پایه مانند واج‌ها و مشخصه‌های تمایزدهنده و ساخت‌واژه می‌پردازد و علاوه بر این زبان اشاره آمریکایی نیز به لحاظ دستوری در این فصل بررسی می‌شود. این فصل در نهایت با بررسی مختصر برخی مسائل مهم و بحث‌برانگیز در نظریه زبانی مانند واقعیت روان‌شناختی دستور و ذاتی بودن زبان به پایان می‌رسد. فصل سوم به بررسی مفاهیم پردازش اطلاعات و چگونگی به کارگیری آن‌ها در زبان می‌پردازد.

بخش دوم و سوم کتاب به مسائل پردازشی زبان می‌پردازد. بخش دوم (فصل چهارم تا هفتم) به درک زبان می‌پردازد و مسائلی را در مورد ادراک و واژگان، پردازش جمله، پردازش واحدهای بزرگ‌تر مانند گفتمان مطرح می‌کند. فصل چهارم به بحث در مورد ادراک گفتار، خواندن، و بررسی خطوط غیرالفبایی می‌پردازد. فصل پنجم دانش کنونی مربوط به سازمان‌دهی واژگان درونی را ارائه می‌دهد و به بررسی چگونگی دستیابی به

کلمات طی فرایند درک می‌پردازد. فصل ششم به بحث درباره‌ی درک جمله شامل تقطیع و زبان مجازی و حافظه‌ی مربوط به جملات می‌پردازد. فصل هفتم به سطوح بازنمایی گفتمان و چگونگی عملکرد آن‌ها می‌پردازد.

بخش سوم کتاب (فصل هشتم و نهم) مسئله‌ی تولید زبان و تعامل گفتاری را بررسی می‌کند. فصل هشتم خطاهای گفتاری و توجیه مختلف این خطاها را بررسی می‌کند و نیز به بحث درباره‌ی فرایند اجرای طرح‌های گفتاری می‌پردازد. فصل نهم عوامل دخیل در تعامل گفتاری و تأثیر فضاهای گفت‌وگو و طرفین گفت‌وگو در تعامل را توصیف می‌کند.

بخش چهارم کتاب فصل دهم تا دوازدهم را در بر می‌گیرد. فصل دهم به توصیف سرشت ایما و اشاره‌های کودکان در مرحله‌ی پیش‌زبانی و گام‌های اولیه‌ی کودک در فراگیری زبان می‌پردازد. فصل یازدهم فراگیری زبان در اواخر دوره‌ی پیش‌دبستان و نیز دوره‌ی دبستان را با تأکید بر آگاهی فرازبانی و خواندن موردبررسی قرار می‌دهد. مسئله‌ی دوزبانگی و فراگیری زبان دوم نیز در این فصل مدنظر قرار گرفته است. فصل دوازدهم به بررسی و ارزیابی نظریه‌های مختلف فراگیری زبان می‌پردازد.

بخش پنجم با عنوان «زبان در ژرفا» شامل فصل سیزدهم و چهاردهم است. فصل سیزدهم درباره‌ی شالوده‌های زیستی زبان است و به بررسی ارتباط زبان با مسائل عصب‌شناسی می‌پردازد. فصل چهاردهم به بحث و بررسی ارتباط زبان با فرهنگ و شناخت می‌پردازد و نظریه‌ی ورف را موردبررسی قرار می‌دهد. در این دو فصل دراصل فرایندهای اصلی روان‌شناختی زبان یعنی درک، تولید، و فراگیری از منظر زیستی و فرهنگی در نظر گرفته شده‌اند.

۲. بررسی صوری اثر

در بخش ذیل به برخی مشکلات مربوط به ترجمه و ویژگی‌های صوری و محتوایی آن می‌پردازیم.

الف) مشکلات ویرایشی

در این کتاب، صفحه‌بندی، نوع قلم و اندازه‌ی قلم کاملاً مناسب است، اما فواصل میان کلمات از نظر چابی در بسیاری از موارد بسیار کم است، به طوری که از نیم‌فاصله کم‌تر و در مواردی به هم چسبیده‌اند. برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جدول ۱. بررسی فواصل میان کلمات

صفحه	پاراگراف	خط	موارد فاصله و نیم‌فاصله
۵	۳	۳	فاصله بین «هوا» و «موجود» و فاصله بین دو واژه «دمش» و «وجود» در انتهای همین خط.
۵۶	۴	۱	باید بین واژه‌های «واج» و «تفاوت‌هایی» فاصله بیش‌تر قرار داشته باشد چون کلمه واج در این‌جا عنوان است و باید بین عنوان و کلمات بعدی فاصله باشد.
۷۵	۳	۱	فاصله بین واژه «تبیینی» و «است» بسیار کم است
۹۵	۲	۱	بین عنوان «آزمون‌های مدل» و عبارت «بد نیست» که در ابتدای خط است، باید فاصله بیش‌تر لحاظ شود، چون «آزمون‌های مدل» عنوان محسوب می‌شود.
۱۶۸	۲	۲	بین کلمات «پیوندگرا»، «درباره»، و «گونه‌های» فاصله بسیار کم است، حتی از نیم‌فاصله هم کم‌تر است. کلمات «مثلاً» و «گونه‌های» به هم چسبیده‌اند
۱۶۸	۲	۳	کلمه «که» و «می‌توانستند» تقریباً به هم چسبیده است.
۲۰۰	۱	۳	بین واژه «زیرا» و «گاهی» اصلاً فاصله وجود ندارد و به‌صورت «زیراگاهی» چاپ شده است.
۲۰۹	۳	۳	فاصله بین واژه‌های «که» و «کلمات» و هم‌چنین فاصله بین واژه‌های «وضعیت» و «آماده‌تری» بسیار کم است، حتی از نیم‌فاصله هم کم‌تر است.
۲۳۷	۲	۲ و ۳	اصطلاح «ویرایش‌های آنی» در پاراگراف دوم در خط دوم و بخشی از آن در خط سوم آمده است، درحالی‌که در متن انگلیسی این اصطلاح یعنی «instant repairs» خود به‌صورت یک عنوان در ابتدای یک پاراگراف جدید آمده است. از این‌رو، مترجم باید «ویرایش‌های جدید» را به‌صورت یک عنوان در ابتدای پاراگرافی جدید بیاورد.
۲۴۶	۲	۳	در این خط اشکال چاپی وجود دارد و واژه «با» به ابتدای کلمه بعدی که «بازنمایی» است چسبیده است.

ب) به‌کارگیری علائم سجاوندی و قواعد نگارشی

به‌کارگیری علائم سجاوندی و نقطه‌گذاری در مواردی رعایت نشده و فهم جملات را دشوار کرده است. دونمونه از این موارد به شرح زیرند:

- صفحه ۴۷۹، خط ۳: در جمله «اتکاردن به شرح‌حال نگرانی‌های متعددی در پی داشت»، باید بین «شرح‌حال» و «نگرانی‌های» ویرگول قرار گیرد تا خواندن و فهم جمله ساده‌تر انجام گیرد.

- صفحه ۱۲۵، خط آخر: در جمله «آیا در پس این تفاوت‌های سطحی بین گوش‌دادن و خواندن شباهت‌های بنیادی نهفته است؟» باید بین واژه‌های «سطحی» و «بین» یک ویرگول گذاشته شود تا معنای اصلی جمله‌ای که در متن انگلیسی آمده است از جمله تعبیر شود. درغیراین‌صورت ممکن است معنای دیگر نیز به‌دلیل خوانش

متفاوت خواننده از متن استنباط شود، زیرا ممکن است خواننده واژه «سطحی» را با کسره اضافه یعنی به صورت «آیا در پس این تفاوت‌های سطحی بین گوش دادن و...» بخواند که در این صورت جمله معنای متفاوتی خواهد داشت. پس به منظور رفع این ابهام حتماً باید ویرگول اعمال شود.

ج) سبک نویسنده و ترجمه آن

قلم نویسنده کتاب به طور کلی مناسب متن علمی است و پیچیدگی ساختاری و واژگانی آن چنانی در آن به چشم نمی‌خورد. متن انگلیسی کتاب نسبتاً روان و قابل فهم است، اما علی‌رغم این مسئله در ترجمه این کتاب این سادگی و روانی در موارد بسیار رعایت نشده و متن شامل جملات پیچیده‌ای است که خواننده مجبور می‌شود که به منظور رسیدن به درک آن‌ها را دو یا سه بار بخواند. این جملات به ویرایش نیاز دارند. نمونه‌هایی از این موارد به شرح زیرند:

- صفحه ۵۰۹، پاراگراف ۴، خط ۱۰ و ۱۱:

«مشاهده این که قوی‌ترین هم‌بستگی مربوط به جنبه پیچیده‌ای از زبان است با این عقیده که 'ساده‌سازی' گفتار بزرگ‌سالان زبان کودکان را ارتقا می‌بخشد سازگار نیست».

این جمله به دو یا سه بار خواندن احتیاج دارد: و ترجمه جمله زیر است:

"The observation that the most robust correlation deals with a complex aspect of languages does not fit with the idea that "simplifying" adult speech promotes child language".

صورت ویرایش شده و ساده‌تر می‌تواند به صورت ذیل باشد، به طوری که از تکرار دو فعل در کنار هم جلوگیری شود:

«مشاهده این که قوی‌ترین هم‌بستگی مربوط به جنبه پیچیده‌ای از زبان است با این عقیده سازگار نیست که گفتار بزرگ‌سالان زبان کودکان را ارتقا می‌بخشد».

علاوه بر این اصولاً «قوی‌ترین هم‌بستگی» در زبان فارسی چندان پذیرفته نیست و بوی ترجمه می‌دهد و شاید بد نباشد که آن را با عبارات «حداکثر هم‌بستگی» یا «اوج هم‌بستگی» یا «بالاترین هم‌بستگی» جای‌گزین کنیم.

- صفحه ۵۸۹، پاراگراف ۳، خط آخر:

«انتقاد دیگر این است که گام‌های واسط منجر به تکامل زبان دارای ارزش بقای آشکار نیست».

“Another criticism is that the intermediate steps that led to the evolution of language do not have obvious survival value”.

مترجم قسمتی را که زیرش خط کشیده شده به صورت گروه اسمی ترجمه کرده که فهم جمله را کمی پیچیده کرده، درحالی‌که این قسمت در جمله اصلی به صورت بند موصولی آمده است و اگر به همان صورت ترجمه شود ساده‌تر درک خواهد شد. یعنی:

«انتقاد دیگر این است که گام‌های میانی که به تحول زبان منجر می‌شود ارزش بقای آشکار ندارند».

- صفحه ۵۹۲، خط ۱ و ۲:

«لیبرمن (۱۹۷۳، ۱۹۹۸، ۱۹۹۱) به بررسی بازسازی مجرای آوایی انواع انسان‌نماها، خانواده تکاملی دربرگیرنده انسان امروزی، پرداخته است».

قسمتی که زیر آن خط کشیده شده توصیف‌کننده انسان‌نماهاست. یا به عبارتی «بدل» است که بیان آن به این شکل دقیقاً حالتی است که در زبان انگلیسی بیان می‌شود، اما برای ساختار جمله فارسی چندان مناسب نیست و خوانش جمله را دشوار می‌کند. بنابراین، لازم است واژه «یعنی» قبل از این عبارت توصیفی قرار گیرد تا جمله آسان‌تر فهمیده شود:

«لیبرمن (۱۹۷۳، ۱۹۹۸، ۱۹۹۱) به بررسی بازسازی مجرای آوایی انواع انسان‌نماها یعنی خانواده تکاملی دربرگیرنده انسان امروزی پرداخته است».

- صفحه ۶۲۹، پاراگراف ۲، خط ۲ و ۳:

«کودکان ژاپنی که زبانشان فاقد رهنمون روشنی درباره این که اشیاء ساده یا شیء‌اند یا مواد، در این عرصه تمایزی قائل نمی‌شوند».

“The Japanese children, whose language provides no clear guidance as to whether simple objects are objects or substances, had no preference”.

جمله غیردستوری است و قسمتی که زیر آن خط کشیده شده است، فعل ندارد و باید به صورت زیر بیان شود:

«کودکان ژاپنی که زبانشان فاقد نشانه روشنی است درباره این که اشیاء ساده یا شیء‌اند یا مواد، در این عرصه تمایزی قائل نمی‌شوند».

- بخش واژه‌نامه توصیفی صفحه ۶۴۳: مدخل «تمهید ناتمام: undershooting»:

تعریفی که برای این مدخل ترجمه شده نامفهوم و ثقیل است:

«در تولید گفتار، تمایل تولیدکننده به حصول ناقص جایگاه‌های هدف برای اصوات مختلف گفتار، تحت تأثیر هم‌تولیدی».

- صفحه ۴۲، ۲ خط آخر صفحه:

«گزارش‌های کنفرانس طرح کلی از یک برنامه پژوهشی روانی - زبانی را به دست داد که انعکاس اجماعی بود مبنی بر این که...».

“The proceedings of the conference outlined a psycholinguistic agenda that reflected a consensus among participants”.

مترجم جمله فوق را به ویژه در قسمتی که زیر آن خط کشیده شده است مغلق و پیچیده ترجمه کرده است. «انعکاس اجماعی بود» ساختار گروه فعلی جمله اصلی را نیز منعکس نمی‌کند و مترجم به جای آن بسیار ساده‌تر می‌توانست بگوید «که توافق بین حضار یا شرکت‌کنندگان را منعکس می‌کرد» که با ساختار جمله انگلیسی مطابقت بیش‌تر نیز دارد.

- صفحه ۶۹، پاراگراف ۱، خط آخر:

«معنی این یافته آن است که اشاره‌ها دارای الگوی مشابه در مشخصه‌های تمایزدهنده از نظر روان‌شناختی با یک‌دیگر مشابه‌اند».

جمله غیردستوری است و باید به یکی از دو صورت زیر بیان شود:

«معنی این یافته آن است که اشاره‌های دارای الگوی مشابه در مشخصه‌های تمایزدهنده، از نظر روان‌شناختی با یک‌دیگر مشابه‌اند».

یا

«معنی این یافته آن است که اشاره‌هایی که به لحاظ مشخصه‌های تمایزدهنده دارای الگوی مشابه هستند از نظر روان‌شناختی نیز مشابه‌اند».

- صفحه ۹۳ در قسمت عنوان «حافظه کاری» خط اول و دوم:

«حافظه کاری طبق تعریفی که از آن شده مربوط است به ذخیره موقت اطلاعاتی که در این یا آن عرصه از وظایف شناختی در حال پردازش شدن است».

“Working memory has been defined as referring to the temporary storage of information that is being processed in any range of cognitive tasks”.

قسمتی که زیر آن خط کشیده شده با جمله انگلیسی مطابقت ندارد و درست ترجمه نشده است. در عین حال فهم جمله را کمی پیچیده کرده و نمونه صحیح‌تر آن به صورت زیر پیشنهاد می‌شود:

«حافظه کاری طبق تعریفی که از آن شده به ذخیره موقت اطلاعاتی اطلاق می‌شود که در هر طیفی (طیف گوناگونی) از تکالیف شناختی در حال پردازش شدن هستند».

- صفحه ۲۰۷ پاراگراف ۴، خط ۲:

«و از این رو ممکن است بافت قویاً جهت‌دار برای فعال کردن گزینشی معنی غالب کفایت کند».

اولین عبارتی که زیر آن خط کشیده شده ترجمه «strongly biased context» است، در حالی که در فارسی قید قویاً کاربرد چندانی ندارد و مترجم معادل سطحی برای «strongly» گزیده است. در واقع ترجمه صحیح‌تر این عبارت می‌تواند «بافت کاملاً جهت‌دار» باشد. دومین عبارتی (گروه اسمی) که زیر آن خط کشیده شده است ترجمه «to selectively activate the dominant meaning» است. مترجم آن را به‌مانند زبان اصلی به‌صورت گروه اسمی که با مصدر فعلی آغاز می‌شود ترجمه کرده و بدین لحاظ خواسته است تا با حفظ نوع ساختار نحوی زبان اصلی امانت در ترجمه را رعایت کند، اما این امر باعث شده که درک معنای گروه اسمی «فعال کردن گزینشی» کمی مشکل شود و اگر ترجمه به‌صورت زیر ارائه شود خواندن و درک آن ساده‌تر خواهد بود و با ساختار فارسی مطابقت بیش‌تر دارد: «و از این رو ممکن است بافت کاملاً جهت‌دار برای آن که معنای غالب را به‌طور انتخابی فعال کند کفایت کند».

- صفحه ۱۴۸، دو خط آخر:

«مرز متصور بین اصوات واک‌دار و بی‌واک در اثر سرعت بیش‌تر به‌نحوی معطوف به ارزش‌های زمان آغاز واک کوچک‌تر تغییر پیدا می‌کند».

“With faster rates the perceived boundary between voiced and voiceless sounds shifted toward smaller VOT values”.

در ترجمه این جمله قسمت‌هایی که زیر آن خط کشیده شده فهم جمله را دشوار کرده، در حالی که می‌توان جمله زیر را به‌شکل ساده‌تر ترجمه کرد:

«در سرعت‌های بیش‌تر مرز ادراک‌شده بین آواهای واک‌دار و بی‌واک به سمت ارزش‌های کوچک‌تر زمان آغاز واک تغییر می‌کند».

علاوه بر موارد بالا از موارد دیگری که در آن مترجم سبک نویسنده را حفظ نکرده انتخاب معادل واژه‌های عمومی است. همان‌طور که در نمونه‌های ارائه شده در بخش بررسی معادل‌های واژگان عمومی و اصطلاحات تخصصی خواهیم دید علی‌رغم ساده‌بودن واژه‌ها در زبان اصلی برای آن‌ها معادل‌های کم‌بسامد و پیچیده و گاهی ناآشنا ارائه کرده و گرایش به پیچیده‌گرایی نسبی داشته است.

۳. بررسی محتوایی اثر

در این بخش به بررسی واژگان عمومی و تخصصی، معادل‌گزینی آن‌ها، امانت در ترجمه، و مسائل دستوری و ویرایشی اثر پرداخته می‌شود.

۱.۳ واژگان عمومی و اصطلاحات تخصصی

الف) معادل‌گزینی برای واژه‌های عمومی

در سطح ترجمه واژگان عمومی متن نیز پیچیدگی‌هایی به چشم می‌خورد، به طوری که مترجم برای بسیاری از واژه‌های ساده متن اصلی، که می‌توان برای آن‌ها در زبان فارسی به همین ترتیب معادل‌های ساده، رایج، و پربسامد انتخاب کرد و به این ترتیب به فهم خواننده از موضوع کمک کرد، به انتخاب معادل‌های پیچیده کم‌بسامد یا واژه‌های عربی کم‌کاربرد پرداخته است. از جمله این موارد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد و در نمونه‌های زیر مواردی نیز وجود دارند که مترجم معادل فارسی صحیح را برای آن‌ها انتخاب نکرده است:

- صفحه ۳۶۸، پاراگراف ۳: واژه «کارگردان» برای «director» که باتوجه به بافت زبانی ترجمه صحیح نیست، بلکه ترجمه درست آن در این بافت «راه‌نما» است. انتخاب واژه «کارگردان» معنای «کارگردان فیلم» را به ذهن متبادر می‌سازد که در این بافت صحیح نیست.

- صفحه ۳۷۳، خط ۲: در جمله «زنان بیش از مردان از وسایل جلب توجه استفاده می‌کنند»، واژه «وسایل» به منزله معادل «devices» در عبارت «attention-getting devices» انتخاب شده است، در حالی که واژه وسایل با جلب توجه در فارسی باهم آیی ندارد و ترجمه مناسب در این جا «ابزارهای جلب توجه» است.

- صفحه ۴۳۳، پاراگراف ۲، خط ۲: عبارت «طرفه آن‌که» برای «interestingly» به منزله قید در ابتدای جمله به کار رفته است، در حالی که این عبارت کم‌کاربرد و مغلق است و مناسب متن علمی نیست. ترجمه‌های گویاتر و مناسب‌تری مانند «جالب است که...» و «جالب این‌که» برای آن موجود است که فهم خواننده را نیز تسهیل می‌کند.

- صفحه ۴۷۷، پاراگراف ۳، خط ۴: به کاربرد فعل نامتعارف، مغلق، و کم‌کاربرد «تداول دارد» به جای «متداول است» در جمله «اما در بسیاری از جاها زبان فرانسه تداول دارد» که ترجمه جمله زیر است:

“but French is spoken in many places”.

از سوی دیگر ترجمه فوق ترجمه دقیق و مناسبی برای این جمله نیست و مترجم می‌توانست به سادگی آن را به صورت «اما زبان فرانسه در بسیاری از مناطق صحبت می‌شود» ترجمه کند.

- صفحه ۹۶، پاراگراف ۴، خط ۲: به جای به‌کاربردن واژه کم‌کاربرد و پیچیده و نامتعارف «منقسم» در عبارت «توجه منقسم» برای «divided attention»، مترجم می‌توانست به سادگی آن را به صورت «تقسیم‌شده» ترجمه کند.

- صفحه ۱۲۳، خط اول: واژه عربی، مهجور، و کم‌کاربرد «معیت» در جمله «هر صامتی در معیت مصوتی است» ترجمه جمله «In the name of every consonant there is a vowel» است، درحالی‌که جمله انگلیسی ساده است و سبک ادبی چندانی ندارد.

- صفحه ۲۰۰، پاراگراف ۱، خط آخر: به‌کاربردن فعل پیچیده، نامتعارف «مطمح نظر قرار می‌دهد» برای فعل «tap into».

- صفحه ۱۲۴ خط آخر: به‌کاربردن فعل پیچیده «تعلیل کردن» برای فعل ساده انگلیسی «account for» در جمله «این مدل‌ها یافته‌های متعدد ادراک گفتار و ادراک بصری کلمه را می‌توانند تعلیل کنند»، درحالی‌که می‌توان به‌جای آن از ترجمه مناسب‌تر و دقیق‌تر «توجیه کنند» استفاده کرد.

- صفحه ۲۳۴، پاراگراف ۲ خط ۱: به‌کاربردن واژه عربی و کم‌کاربرد «موجد» در جمله «دیدگاه کاربردشناختی موجد چند پی‌آمد قابل‌آزمایش است» که ترجمه جمله زیر است:

“The pragmatic view has some testable implications”.

درحالی‌که ترجمه صحیح و مناسب این جمله با حفظ سبک نویسنده به شرح زیر است: «دیدگاه کاربردشناختی دارای چند پی‌آمد قابل‌آزمایش است».

علاوه‌بر مورد بالا مترجم در موارد بسیار دیگری در کتاب برای واژه‌های «have» و «has» از کلمات «واجب» و «موجد» استفاده کرده است.

- صفحه ۲۴۴، خط ۲: به‌کارگیری واژه «نظرگیر» برای «impressive». نظرگیر واژه‌ای کم‌کاربرد و نامتعارف است و می‌توان از معادل‌های بهتری که با بافت جمله این واژه هم‌خوانی دارد مانند «اثرگذار» استفاده کرد. در موارد دیگر در سراسر متن کتاب مترجم به‌کرات از واژه نظرگیر استفاده کرده و آن را برای واژه‌هایی مانند

«remarkable» انتخاب کرده است که برای آن‌ها نیز معادل‌های بهتر و آشناتری مانند «چشم‌گیر» و «قابل توجه» یا «قابل ملاحظه» موجود است.

- صفحه ۲۹۲، پاراگراف ۵، خط آخر: به‌کارگیری واژه «تباین» برای «differs from» در جمله «این مطالعات به فهم ما از چگونگی تباین گفتمان روایتی و گفتمان تشریحی می‌افزاید» که به‌جای آن نویسنده می‌توانست از واژه ساده‌تر «تفاوت» استفاده کند که سبک نویسنده را نیز حفظ می‌کند.

- صفحه ۲۹۳، پاراگراف ۳، قسمت عنوان: به‌کارگیری «مضامین آموزشی» برای «Educational implications»، در این خصوص مترجم می‌توانست به‌جای واژه عربی و کم‌کاربرد مضامین، واژه فارسی و پرکاربرد «پی‌آمدها» را معادل‌گزینی کند.

- صفحه ۳۷۷، پاراگراف ۲، خط ۲: به‌کارگیری واژه «فهم کردن» در جمله «می‌کوشیم چگونگی گفت‌وگوی مردان و زنان را با یک‌دیگر و با هم‌جنس خود فهم کنیم». در فارسی فعل مرکب «فهم کردن» کم‌بسامد است و باید «فهمیدن» یا «درک کردن» را که آشناتر و پرسامدند جای‌گزین کرد.

- صفحه ۱۶۳، پاراگراف ۲، خط ۳: به‌کارگیری واژه «به‌طور محرک‌نمایانه» برای «tachistoscopically». مترجم می‌توانست بگوید: «با استفاده از محرک‌نما».

ب) معادل‌گزینی برای واژه‌های تخصصی

صرف‌نظر از موارد بالا مترجم در مواردی در انتخاب معادل‌های مناسب برای اصطلاحات تخصصی روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی خوب عمل کرده و در مواردی که برای پیدا کردن معادل مناسب برای برخی از واژه‌های تخصصی با دشواری روبه‌رو می‌شویم معادل‌های مناسب و جدیدی را ارائه کرده است. مانند موارد زیر:

«فرا‌تعمیم» و «فرو‌تعمیم» برای واژه‌های «overextension» و «underextension» در مبحث فراگیری زبان؛

«اسامی‌شمارا» برای اصطلاح «count noun»؛

«فرا‌انطباق» برای واژه «exaptation»؛

«چشم‌پویش» برای «saccade»؛

«چاره‌جویی معنایی» برای «semantic bootstrapping».

با وجود موارد بالا، مترجم در مواردی زیادی نیز با این که برای یک واژه تخصصی در زبان انگلیسی معادل و اصطلاح مناسب و رایج در فارسی وجود داشته است دست به واژه‌سازی

- زده است که در مواردی نامناسب‌اند. نمونه‌هایی از این موارد به شرح زیرند و مواردی دیده می‌شود که در انتخاب معادل برای اصطلاحات تخصصی ایراد دارند؛ مانند موارد زیر:
- صفحه ۶۹: «دوجانبگی» برای اصطلاح «reciprocity»؛ برای این واژه اصطلاح «دوسویه» و «دوسویگی» در متون زبان‌شناسی رایج و متداول است و از سوی دیگر واژه «دوجانبگی» به لحاظ آوایی نیز تلفظ دشواری دارد.
 - صفحه ۷۱: «تقابل‌های حداقلی» برای «minimal contrasts» به کار رفته، در حالی که واژه «کمینه» برای «minimal» واژه‌ای رایج و متداول در متون علمی زبان‌شناسی است. ثانیاً، در فارسی صفت «حداقلی» نداریم!
 - صفحه ۱۹، پاراگراف ۲، خط ۲: عبارات «پردازش از بالا به پایین» و «پردازش از پایین به بالا» برای «Top-down processing» و «bottom-up processing» در ترجمه این اصطلاحات به حرف اضافه «از» نیاز نیست و به سادگی می‌توان گفت «پردازش بالا به پایین» و «پردازش پایین به بالا».
 - صفحه ۱۱۲، پاراگراف ۲، خط ۱: «حوزه رقمی» برای «digit span». واژه «حوزه» به لحاظ معنایی برای «span» صحیح نیست و در این جا منظور فراخنای حافظه برای اعداد است. از سوی دیگر، واژه «عدد» از «رقم» ساده‌تر و پربسامدتر است و در بافت متون روان‌شناسی بیش‌تر کاربرد دارد. می‌توان از اصطلاح «گستره» یا فراخنای اعداد استفاده کرد.
 - صفحه ۱۳۱: اصطلاحات «بالا»، «پایین»، و «میان» برای «high»، «low»، و «mid» در حوزه توصیف آواها در آواشناسی مصطلح نیست و گویی مترجم از آن‌ها بی‌خبر بوده است. در آواشناسی از واژه‌های «افراشته»، «افتاده»، و «میانی» استفاده می‌شود.
 - در سراسر کتاب واژه «system» به «سامانه» ترجمه شده است که البته واژه زیبایی است، اما در موارد بسیاری در متون زبان و زبان‌شناسی واژه «نظام» به کار رفته است، مانند نظام زبان.
 - صفحه ۱۵۱، پاراگراف ۴: «پی‌جویی تلفظ غلط» برای «Mispronunciation detection». برای واژه «detection» می‌توان واژه متعارف «تشخیص» را به کار برد.
 - صفحه ۱۶۵: «مدل دو خطی» برای «Dual-route Models». «route» در مدل‌های خواندن به معنای خط نیست، بلکه مسیر دستیابی به واژه‌ها و حروف مدنظر است و این ترجمه صحیح نیست. معادل صحیح «مدل‌های دومسیره» خواندن است.

- صفحه ۱۵۶، خط ۷: «تکنگاره» برای «grapheme» که البته واژه‌سازی مترجم درخور تحسین است، اما برای این واژه تخصصی، واژه «نویسه» در متون علمی زبان‌شناسی متداول است.
- صفحه ۱۵۸، پارا ۵: «برجامانی» برای «fixation» که البته واژه‌سازی مترجم درخور تحسین است، اما برای این اصطلاح، واژه «ثبیت» در متون روان‌شناسی و روان‌شناسی زبان در حوزه خواندن به‌کار می‌رود و به ساختن واژه جدید نیازی نیست.
- صفحه ۱۸۹، پاراگراف ۲، بعد از مثال‌ها، خط ۱: «تأثیر نمونه‌بودگی» برای «typicality effect». «نمونه‌بودگی» خوش‌ساخت نیست و «تأثیر نمونگی» یا «تأثیر نمونه شاخص» پیش‌نهاد می‌شود.
- صفحه ۳۶۲، در قسمت جدول: «گفتار خودانگیز» برای «spontaneous speech». «گفتار خودانگیز» معادل مصطلح و رایج این عبارت در متون روان‌شناسی زبان است.
- صفحه ۳۷۱، پاراگراف ۲، خط ۴: «سنجه گوش کردن دوگانه» برای «dichotic listening test» که برای آن معادل رایج، مصطلح، و جافتاده «آزمون شنود دوگوشی» در متون زبان‌شناسی و روان‌شناسی زبان موجود است و به‌نظر می‌رسد که مترجم از آن بی‌خبر بوده است.
- صفحه ۵۱۹، پاراگراف ۳، خط ۵: «تعویق زبانی» برای «language delay» که درحقیقت به‌معنای تأخیر در رشد زبان است و درواقع اصطلاح رایج و متداول در متون زبان‌شناسی به منزله «تأخیر زبانی» به‌کار می‌رود و نه «تعویق».
- صفحه ۴۵۷، خط ۲: «داوری دستوری» برای «judgment of grammaticality». درحالی‌که اصطلاح بسیار آشنا و کاملاً متداول «قضاوت درباره دستوری‌بودن» برای این عبارت در متون زبان‌شناسی فارسی مناسب‌تر است.
- صفحه ۶۱۷، پاراگراف ۲، خط ۱: «مطالعه مرزگذر» برای «cross-linguistic study» که ترجمه مناسب‌تر آن «مطالعه مرزگذر» است.
- صفحه ۴۳۸، قسمت عنوان‌ها: «تکوین نحو تکمیلی» برای «later syntactic development»، درحالی‌که برای واژه «development» وقتی صحبت از فراگیری زبان باشد در متون روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی اصطلاح «رشد» به‌کار می‌رود،

نه «تکوین». در موارد دیگر نیز در سراسر کتاب مترجم واژه «تکوین» را برای «development» به کار برده است؛ مانند صفحه ۲۹۵، پاراگراف ۴: «تکوین قصد ارتباطی».

- صفحه ۴۰۷، قسمت عنوان: «روند تولید گفتار» برای «The development of speech production» در مبحثی که ذیل این عنوان مطرح شده است صحبت از فراگیری زبان و رشد چگونگی تولید گفتار است. بنابراین به کارگیری معادل «روند» برای «development» نادرست است. واژه «روند» ممکن است معنای پردازش و فرایندهای دخیل در چگونگی تولید گفتار را القا کند، درحالی که در این جا منظور «رشد و فراگیری تولید گفتار» است.

- صفحه ۳۴۴: پاراگراف ۲، خط ۱: «الزامات ساخت تک‌واژ» برای «morpheme structure constraints» که ترجمه دقیق و صحیح آن «محدودیت‌های ساخت تک‌واژ» است.

- صفحه ۲۷۷، پاراگراف ۳، خط ۲: «آزمون حافظه‌شناختی» برای «recognition memory test» که مترجم به اشتباه «recognition» را با «cognition» خلط کرده و شناختی ترجمه کرده است، درحالی که باتوجه به بافت زبانی عبارت فوق، ترجمه صحیح آن «آزمون حافظه‌بازشناسی» است.

- صفحه ۱۳۳: در این صفحه مترجم برای اصطلاح «formant» در حوزه آواشناسی معادل «سازه» را گزینش کرده و در سراسر کتاب نیز اصطلاح «سازه» را به کار برده است، اما در بخش واژه‌نامه توصیفی و نمایه علاوه بر اصطلاح سازه در داخل پرانتز اصطلاح «سازند» را نیز آورده است. مترجم باید در صفحه ۱۳۳، که برای اولین بار اصطلاح سازه مطرح شده است، اصطلاح «سازند» را نیز ذکر می‌کرد.

- صفحه ۲۱۴: قسمت عنوان: «تجزیه» برای «parsing»، درحالی که اصطلاح دقیق و متداول «تقطیع» برای «parsing» موجود است. به‌ویژه وقتی صحبت از نحو است، اصطلاح «تقطیع نحوی» به کار می‌رود.

- به کارگیری واژه «سنجه» در بسیاری از صفحات کتاب برای واژه‌های «task»، «measure»، و «test»، درحالی که می‌توان برای این موارد از معادل‌های «تکلیف»، «آزمون»، و در مواردی «ارزیابی» و «آزمایش» استفاده کرد که برای خواننده آشنا ترند و در متون روان‌شناسی زبان نیز متداول ترند.

- در سراسر کتاب از جمله صفحه ۳۲ پاراگراف ۴، خط ۵، مترجم اصطلاح «مسئله‌گشایی» را برای «problem-solving» به کار برده، در صورتی که در متون علمی روان‌شناسی و روان‌شناسی شناختی «حل مسئله» اصطلاح رایج و متداول‌تری است.

- برای واژه «reinforcement» در جمله ذیل (ص ۴۱، پاراگراف ۳، خط ۱) «تشویق» ارائه شده است، در حالی که معنای دقیق آن، باتوجه به بافت و صحبت از رفتارگرایی، «تقویت» است.

«برای تعلیم سخن گفتن به کودکان، در ابتدا تشویق مشخصات کلامی نزدیک به مشخصات کلامی رسمی بسیار تسامح‌آمیز است.»

“In teaching the young child to talk, the formal specifications upon which reinforcement is contingent are at first greatly related?”

- صفحه ۴۴، پاراگراف ۳، مترجم برای عبارت «the argument of poverty of stimulus»

ترجمه «ضعف برهان محرک» را به کار برده است که به سه دلیل ایراد دارد:

اول، مترجم برهان ضعف محرک را به اشتباه ضعف برهان محرک ترجمه کرده است؛ دوم، «برهان» واژه‌ای است که در متون فلسفی پیش‌تر کاربرد دارد و در متون علمی زبان‌شناسی و روان‌شناسی واژه «استدلال» رایج‌تر و پربسامدتر است.

سوم، برای عبارت «poverty of stimulus» معادل مصطلحی هست که جا افتاده و در تمام متون زبان فارسی به چشم می‌خورد که همان «فقر محرک» است و درحقیقت در این جا معنای دقیق واژه «poverty» هم فقر و کمبود است که نشانه ناکافی بودن داده‌های زبانی برای کودک است و نه به معنای ضعف داده!

۲.۳ مسائل دستوری

اشکالات نحوی و دستوری ترجمه در سه دسته مشاهده شدند:

۱. کسره اضافه: در مواردی از جملات کتاب مشاهده شد که گذاشتن کسره اضافه لازم است و به خواندن و فهم جملات کمک می‌کند یا از ابهام جلوگیری می‌کند؛ از جمله این موارد می‌توان به دو نمونه زیر اشاره کرد:

- صفحه ۲۴۷، پاراگراف ۳، خط ۱: در جمله «در این جا نیز واقعیت امر حاکی از آن است که استنباط استفاده از این ابزار در تعمیرکردن لانه پرنده در خلال درک حاصل شده است» لازم است که زیر کلمه «استنباط» کسره اضافه گذاشته شود تا

خواندن جمله روان‌تر و درک آن بهتر انجام شود و خواننده مجبور نباشد جمله را چندبار بخواند؛

- صفحه ۳۵۲، قسمت فهرست مطالب فصل: مترجم عبارت «گفتمان درمانی» را برای «therapeutic discourse» به‌کار برده است. در این عبارت لازم است که مترجم حتماً در این صفحه زیر واژه «گفتمان» کسره بگذارد. یعنی «گفتمان درمانی» چون در غیر این صورت خواننده غیرآشنا ممکن است آن را بدون کسره اضافه بخواند و معنای «discourse therapy» را از آن استنباط کند.

۲. کاربرد نامناسب حرف اضافه: در مواردی نیز مشاهده شد که حرف اضافه در برخی جملات ترجمه‌شده درست به‌کار نرفته است. چون ترجمه سطحی و لغت‌به‌لغت برای این حروف اضافه در نظر گرفته شده و نمونه‌های آن در ذیل آورده شده است:

- صفحه ۳۶۷، خط ۱: در جمله «گفت‌وگو از چند نظر با اشکال دیگر تعامل گفتاری تفاوت دارد از جمله در تعداد شرکت‌کننده یا در میزان مشخص‌بودن موضوع و طول مدت نوبت و ترتیب نوبت از قبل». مواردی که زیر آن خط کشیده شده است ترجمه سطحی «in» در فعل «differ in» در زبان انگلیسی است، اما در فارسی بدین صورت به‌کار نمی‌رود، بلکه در این‌جا ترجمه صحیح «از نظر تعداد شرکت‌کننده یا به‌لحاظ میزان مشخص‌بودن موضوع» است.

- صفحه ۶۲۲، پاراگراف ۳، خط ۲: در جمله «آیا این مقولات در چگونگی تصور ما از جهان تأثیر می‌گذارند» به‌کارگیری حرف اضافه «بر» به‌جای «در» صحیح‌تر است.

۳. موارد ابهام: در مواردی در جملات ترجمه‌شده ابهام وجود داشت، ولی این ابهام در جملات متن اصلی موجود نبود. از جمله این موارد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

- صفحه ۴۲۳، پاراگراف ۲، زیر عنوان «ساخت گفته‌های اولیه» که ترجمه «the structure of early utterances» است دارای ابهام است. چون ترجمه فارسی هم می‌تواند به‌معنای ساختار گفته و هم می‌تواند به‌معنای ساختن گفته‌های اولیه باشد. مترجم باید به‌منظور جلوگیری از ابهام و رعایت امانت در ترجمه آن را به‌صورت «ساختار گفته‌های اولیه» ترجمه می‌کرد.

- صفحه ۵۸۹، پاراگراف ۴، خط ۱: جمله «اشکال واسط بسیاری در زبان وجود دارد» که ترجمه بخش خط کشیده‌شده در جمله «there are in fact many intermediate

... *forms of language... such as pidgins, aphasia...* است. این ترجمه مناسب نیست، چون ابهام در آن وجود دارد و درحقیقت این معنا نیز از آن استنباط می‌شود که صورت‌های واسط بسیاری در داخل هر زبانی وجود دارد. درحالی‌که معنای جمله اصلی این است: «زبان می‌تواند به صورت‌های بینابینی مختلفی... هم‌چون پیجین‌ها، مورد متأثر از آفازیا، و... ظاهر شود».

- - صفحه ۶۰۶: عنوان «آزمایش فرضیه ورف» که ترجمه «*testing the Whorf hypothesis*» است ترجمه مناسبی نیست، زیرا ابهام دارد و به‌احتمال زیاد خواننده معنای «آزمایش مربوط به فرضیه ورف» را از آن استنباط می‌کند، درحالی‌که معنای عبارت انگلیسی «ارزیابی یا سنجش فرضیه ورف» است.

۳.۳ اصل امانت در ترجمه

امانت‌داری در ترجمه تقریباً به‌میزان مناسب و قابل‌قبولی رعایت شده، اما در مواردی نیز این اصل رعایت نشده است:

مترجم برخی از جملاتی را که برای مثال در کتاب اصلی ارائه شده ترجمه کرده و برخی از آن‌ها را ترجمه نکرده (مانند برخی جملات ص ۱۰۹، ص ۱۲۸) و دلیل قانع‌کننده‌ای برای این امر در یادداشت مترجم ارائه نداده است.

از جمله موارد دیگری که مترجم امانت در ترجمه را رعایت نکرده، می‌توان مثال زیر را ارائه کرد که مربوط به حوزه نحواست:

رعایت نکردن ترتیب توصیف‌کننده و اسم در ترجمه، نمونه‌های ذیل از این دست است:

- صفحه ۱۴۹، پاراگراف ۳، خط ۱: در عبارت «بازشناسی بافت و گفتار» که ترجمه «*context and speech recognition*» است، ترتیب ساختاری عبارت انگلیسی رعایت نشده و دراصل باید دقیقاً مانند گروه اسمی انگلیسی که واژه به‌صورت «بازشناسی گفتار و بافت» ترجمه شود، چون در «بازشناسی بافت و گفتار» این ابهام نهفته است که ممکن است «بازشناسی» توصیف‌کننده گفتار نباشد و فقط توصیف‌کننده بافت باشد، درحالی‌که در عبارت اصلی چون «*recognition*» پس از «*speech*» قرار گرفته، توصیف‌کننده حتمی آن است و این اصل باید با حفظ ترتیب واژه‌ها در ترجمه رعایت و امانت‌داری شود. علاوه‌بر موارد فوق در مواردی اشتباهاتی نیز در ترجمه مشاهده شده که از آن جمله است:

- صفحه ۱۱۸، پاراگراف ۲، خط ۲: در جمله «چه ارتباطی بین این مهارت‌های توأم با رشد حافظه و فراگیری زبان است» که ترجمه جمله «What is the relationship between these developing memory skills and children's acquisition» است. عبارت «developing memory skills» به اشتباه به صورت «این مهارت‌های توأم با رشد حافظه» ترجمه شده، درحالی‌که معنای صحیح آن «این مهارت‌های حافظه‌ای در حال رشد» است.

- صفحه ۵۲۹، پاراگراف ۲، خط ۴: جمله «انگلیسی زبانی است که در آن ترتیب کلمات بسیار انعطاف‌پذیر است» ترجمه اشتباه جمله زیر است

“English is a very strict word-order language”.

و این درحالی است که معنای این جمله کاملاً عکس جمله ترجمه شده است، یعنی ترجمه صحیح این است: «انگلیسی زبانی است که در آن ترتیب کلمات بسیار انعطاف‌ناپذیر است».

۴. نتیجه‌گیری

باتوجه به بررسی‌هایی که انجام شد، می‌توان نتیجه گرفت که کتاب روان‌شناسی زبان، ترجمه حشمت‌اله صباغی، دارای این ویژگی‌هاست:

به‌لحاظ صوری صفحه‌بندی، نوع قلم، و اندازه قلم کاملاً مناسب است، اما فواصل میان کلمات در بسیاری از موارد بسیار کم است، به‌طوری‌که از نیم‌فاصله کم‌تر و در مواردی به هم چسبیده‌اند. هم‌چنین در مواردی عدم به‌کارگیری علائم سجاوندی و نقطه‌گذاری مناسب موجب دشوار شدن فهم جملات می‌شود.

به‌لحاظ محتوایی قلم نویسنده کتاب به‌طور کلی مناسب متن علمی است و پیچیدگی ساختاری و واژگانی آن‌چنانی در آن به‌چشم نمی‌خورد. متن انگلیسی کتاب نسبتاً روان و قابل فهم است، اما علی‌رغم این مسئله در ترجمه کتاب این سادگی و روانی در موارد بسیار رعایت نشده و متن شامل جملات پیچیده‌ای است که خواننده مجبور می‌شود به‌منظور رسیدن به درک آن‌ها را دو یا سه بار بخواند. در سطح ترجمه واژگان عمومی متن نیز پیچیدگی‌هایی به‌چشم می‌خورد، به‌طوری‌که مترجم برای بسیاری از واژه‌های ساده متن اصلی که می‌توان برای آن‌ها در زبان فارسی به همین ترتیب معادل‌های ساده، رایج، و پربسامد انتخاب کرد، معادل‌های پیچیده کم‌بسامد یا واژه‌های عربی کم‌کاربرد را برگزیده

است. صرف‌نظر از این موارد، انتخاب معادل‌های مناسب برای اصطلاحات تخصصی روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی در کل به‌خوبی صورت گرفته است. رعایت اصل امانت‌داری در ترجمه کتاب به‌طور کلی قابل‌قبول است.

بنابراین می‌توان گفت که کتاب مذکور هم می‌تواند به‌منزله یک کتاب درسی و هم به‌مثابه یک منبع پژوهشی برای دانشجویان و متخصصان رشته‌های زبان‌شناسی، آسیب‌شناسی گفتار و زبان، و روان‌شناسی شناختی مورد استفاده قرار گیرد، اما آنچه مسلم است این‌که متن کتاب و مسائل مطرح در کتاب به‌گونه‌ای است که دانش پایه‌ای زبان‌شناسی برای فهم آن لازم است. با وجود این و با توجه به کمبود منابع فارسی در زمینه روان‌شناسی زبان این ایرادها باید در چاپ‌ها یا ویراست‌های بعدی کتاب رفع شود تا مناسب استفاده در تدریس شود و دانشجویان و متخصصان بتوانند از این کتاب استفاده کنند.

کتاب‌نامه

- باطنی، محمدرضا و زهرا احمدی‌نیا (۱۳۹۶)، فرهنگ معاصر پویا، تهران: فرهنگ معاصر.
براهنی، محمدنقی، علی‌اکبر سیف، جمال عابدی، هامایک آوادیسیان، محمدرضا باطنی، یوسف کریمی، نیرسان گاهان، و جمال بامدادی (۱۳۹۷)، *واژه‌نامه روان‌شناسی و زمینه‌های وابسته*، تهران: فرهنگ معاصر.
حقوق‌شناس، علی‌محمد، حسین سامعی، و نرگس انتخابی (۱۳۹۸)، *فرهنگ معاصر هزاره*، تهران: فرهنگ معاصر.
کرول، دیوید دبلیو. (۱۳۹۱)، *روان‌شناسی زبان*، ترجمه حشمت‌اله صباغی، تهران: رشد.
همایون، همادخت (۱۳۹۴)، *واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Carroll, David (2008), *Psychology of Language*, Wadsworth Publishing.

Field, John (2004), *Psycholinguistics: The Key Concepts*, London: Routledge.

Gareth Gaskell, M. (2007), *The Oxford Handbook of Psycholinguistics*, Oxford: Oxford University Press.

Hornby, A. S. and S. Wehmeier (eds.) (2015), *Oxford Advanced Learner's Dictionary*, Oxford: Oxford University Press.

Traxler, J. Matthew (2012), *Introduction to Psycholinguistics*, Chichester: United Kingdom: Wiley-Blackwell.

